

## ماده بیست و چهارم

### نظم و درستی

وکیل باید نسبت به محاکم - همکاران - موکلین و طرف دعوی خود درست و منظم بوده باشد.

## از آقای حسین نوری زاده

### صلح

#### چهارم - موانع و مبطلات و موجبات الغای صلح -

۱ - عدم رشد و اهلیت طرفین یا یکطرف از متصالحین موجب بطلان صلح است .

۲ - صلح با اکراه یا بتدلیس موجب عدم نفوذ صلح است ( قانون مدنی ایران ۷۶۳ )

در ماده اشاره شده نسبت با اکراه بطلان را معتقد است ولی نسبت بتدلیس معتقد بوجود خیار فسخ است .

۳ - صلح در امر غیر مشروع یا تحریم حلال و بالعکس باطل است ( قبلا گذشت )

۴ - در مواردیکه صلح را عقد مستقل ندانیم و تبعی بوده باشد البته در بیع نسبت با موردیکه نمیشود به بیع انجام داد بصلح نیز نمیشود مثل بیع صرف یا بیع کالی بکالی و غیره

۵ - اگر مورد صلح یا عوض یا هر دو مستحق للتغیر برآید صلح باطل است ( بعقیده علامه در کتاب قواعد الاحکام ) و بعقیده شهید ثانی در متن

شرح لعمه اگر عوض صلح معین و مستحق المغير برآید صلح باطل است -  
 و در قانون مدنی ایران بطوریکه از ماده ۷۶۷ مستنبط است مینویسد  
 هرگاه موضوع صلح منتفی شد صلح باطل است و این موضوع اهمیت دارد  
 باینکه از جهة مستحق المغير بودن موضوع صلح منتفی گردد بااصلا موضوع  
 صلح وجود خارجی نداشته باشد .

اما فتهای دیگر صرف مستحق المغير بودن عوض را موجب بطلان  
 صلح تشخیص دادند در صورت معلوم بودن و مشخص بودن عوض ولی  
 در موقعیکه عوض مشخص نباشد بعضی را عقیده آنست که صلح باقی و میشود  
 به بدل مراجعه نمود و در موضوع عوض معین هم باز بعضی معتقدند که  
 در صورت معیوب بودن اختیار فسخ برای متصالح است - و بعضی معتقدند  
 که در موضوع فوق متصالح مخیر است بفسخ صلح یا اخذ ارش که صلح را  
 باقی و ارش (غرامت) مطالبه نماید.

( اما در موضوع غبن بمثل رفع غبن لازم است نه بطلان صلح مثل  
 خیار غبن در بیم - این موضوع باید بیشتر دقت شود )

۶ - اشتباه در طرفین صلح یا موضوع و عوض مبطل صلح است  
 و صلح مبتنی بر معامله باطله باطل است ( قانون مدنی ایران ماده تین ۷۶۵ و  
 ۷۶۲ )

۷ - با اینکه عقد صلح لازم است معذلك اگر یکطرف یا طرفین  
 ضمن عقد صلح اختیار فسخ را شرط نمایند و درجریان امر شرط اختیار  
 فسخ موجود شود اختیار فسخ برای طرف شارط یا متشارط میآید - مثلا  
 اگر کسی صلح کند رفع نزاع در امری را بآنکه فلان عمل یا فلان تعهد را  
 انجام دهد و در صورت عدم انجام اختیار فسخ برای طرف بوده باشد البته  
 اگر تعهد یا عمل مورد صلح را انجام نداد طرف ذی نفع و ذیحق در اختیار  
 میتواند صلح را فسخ کند - و یا در صورت اشتراط که طرفین برای خودشان  
 اختیار فسخ بگذارند البته در تخلف اشتراط میتوان صلح را فسخ نمود .

۸ - اگر مستند سند مزور یا معجول باشد و صلح روی آن سند  
 منعقد گردد باطل است - ( البته بعد از اثبات جعلیت یا مزور بودن سند )  
 و این موضوع در قانون مدنی ایران تصریح ندارد ولی در قانون مدنی مصر  
 در ماده ۵۳۵ تصریح دارد و در قانون مدنی ایران فقط در ماده ۷۶۲ ذکر  
 نموده - اگر در طرفین صلح یا مورد یا مال الصلح اشتباهی شود صلح

باطل است و معلوم نیست که ماده مزبور ناظر باین مورد باشد.  
**تبصره ۵ -** اشتباه در مورد صلح یا عوض طبق ماده (۷۶۲) قانون مدنی ایران موجب بطلان صلح است ولی در قانون مدنی مصر که از ممالک اسلامیست در ماده (۵۳۶) مینویسد که اگر اشتباه در حساب شد تصحیح آن لازم است بدون برهم زدن عقد صلح همانطوریکه در قوانین محاکمات مدنی ما تصریح دارد که اگر در مورد حکم اشتباه از حیث حساب شد باید تصحیح آنرا خواست - در قانون مدنی مصر طبق ماده فوق اشتباه در مال الصلح یا مورد صلح را مبطل صلح نمیداند.

۹ - تاجر متوقف که اعلان توقفش صادر شده باشد هر گونه معامله یا عوض بنماید و هر قسم صلحی یا عوض منعقد نماید از قبیل صلح محاباتی و غیره باطل است ( موارد صلح تاجر متوقف دارای احکام و نظامات مخصوصی است ) ( مستند موضوع فوق ماده ۴۲۳ قانون تجارت ایران است ) در قوانین تجاری دنیا هم نظایر دارد .

۱۰ - در صورتیکه مطابق موازین با حصول مقدمات و شرایط عقد صلح بین دیان با تاجر متوقف ( ورشکسته ) بعنوان ارفاق منعقد گردد که بوسیله عقد مزبور دیان از طلب خودشان بعنوان ارفاق و رعایت جانب تاجر متوقف کسر نمایند و بعداً ثابت شود که ورشکستگی بتقصیر بوده یا مالی در خفا داشته و ابراز نشده یا تمانی یا اشخاصی برای زیاد قلم دادن قروض خود نموده باشد بر حسب شکایت دیان یا یکی از آنها بحکم محکمه صلح ارفاق باطل میشود ( قانون مدنی مصر ماده ۳۳۱ )

**توضیح -** مواردیکه از قوانین ملل اسلامی در این قسمت اشاره میشود از جهت تطابقش با مقررات شرع اسلام است نه شرح اختلافات قوانین مدنی ممالک بایکدیگر.

**پنجم - اثرات صلح -** گرچه باعتقاد آنها یکیکه صلح عقد تبعی و در مقام هر یک از عقود از قبیل بیع و اجاره و هبه و غاربه و ابراء و غیره اثرات خاصه آن عقد را می بخشد ولی معنای مستقل و در موارد اثرات مخصوصهئی دارد .

۱ - اثرات کلی صلح آنست که تنازع مختومه بصلح عقد لازم و غیر قابل فسخ است مگر با شرط خیار ضمن صلح یا اقاله ( قانون مدنی ایران ماده ۷۶۰ )

۲- اثر صلح فقط درباره طرفین صلح است و هیچکس نمی تواند چه مدعی و چه مدعی علیه در صورت تعدد آنها در صورت ختم تنازع بصلح با یک نفر از طرف دعوی مورد استناد قرارداد و دلیل حقانیت خود قرار دهد - برای توضیح دو مثال زیر را بیان میکنیم .

اول - اگر چند نفر نسبت بمال معین که به تساوی یا باختلاف ذبحق باشند و بر یک نفر اقامه دعوی نمایند چنانچه در ضمن دعوی مدعی علیه بایکی از مدعیان بتناسب سهمش اصلاح نماید این اصلاح دلیل حقانیت سایر مدعیان در اثبات دعوی ایشان نخواهد بود .

دویم - اگر یک نفر بر چند نفر نسبت بمالیکه درید آنهاست چه بطور تساوی و چه بطور اختلاف اقامه دعوی نماید و در جریان امر ببا یکی از مدعی علیه دعوی خود را بسهم آن شخص اصلاح نماید این اصلاح دلیل بر ات ذمه سایر مدعی علیه از مدعی به متوجه بآنها بمیزانی که بواسطه صلح با یک نفر آنها تقلیل یافته نخواهد بود .

و نیز در صورتیکه در مثال اول مدعیان بالنتیجه محکوم به بی حقی شوند و در مثال دویم مدعی علیه محکوم به تسلیم تمام مدعی به گردند نمیتوان با استناد حکم صادره صلح منقده را بهیچ عنوانی بر هم زد (چه آنکه صلح عقد لازم و خيار غنیم یا خيارات دیگر مادام که شرط نشده باشد در وی راه ندارد)

۳- در بیمه که ضمن عقد صلح انجام میشود حق شفعه وجود ندارد یعنی اگر احد از شریکین سهم خود را از مال غیر منقول بشخص خارجی صلحا برگذار نماید برای شریک دیگر حق شفعه باقی نمیماند در صورتیکه اگر شریک بقصد بیمه سهم مال غیر منقول خود را بشخص خارجی انتقال دهد شریک دیگر میتواند مطابق موازین قانونی مربوط به شفعه فوراً اخذ بشفعه نماید (قانون مدنی ماده ۷۵۹)

اگر کسی کلیه دعوی فرضیه و تقدیریه خود را بادیگری صلح کند شامل تمام دعوی متصوره است و کلیه اختلافاتی که تا تاریخ صلح وجود داشته مشمول صلح مذکور است مگر در مواردیکه قرائن و امارات قویه فی ضمن مصالحه نامه باشد و بتوان بوسیله آن بعضی از دعوی را استثناء نمود مثلا اگر کسی کلیه دعوی فرضیه و تقدیریه مالی خود را بصلح خانمه دهد مسلم است که دعوی فرضیه و تقدیریه غیر مالی خود را صلح ننموده

است یا بالعکس ( قانون مدنی ایران ماده ۷۶۶ )

۵ - اگر کسی دعوائی را بصلح بادیگری خاتمه دهد و بعداً دلائلی بدست آورد بر بیحقی متصالح و متصالح بوسیله دادگاه تودیمه مال الصلح را بخواهد و دادگاه حکم تودیمه مال الصلح را صادر نماید فقط مصالح از دلائل جدید خود میتواند برهم زدن قرار تأمین مال الصلح را بخواهد ولی در اصل صلح دلائل مذکوره ( جدید ) تأثیری نداشته از سایر دارائیش مثل مال الصلح را خواهند گرفت ( قانون مدنی مصر ماده ۵۳۷ )

تیسره - دلائل جدید که فوقاً اشاره شده غیر از دلیل جعلیت و تزویر مدارک صلح است که در آن صورت اصل صلح باطل است ( در قسمت ۸ موارد بطلان صلح اشاره شد )

۶ - صلح بلاعوض که در مقام هبه واقع میشود ولو متصالح در مورد صلح تصرف نکرده یا قبض ننماید قابل عدول نبوده و حق بازگشت برای متصالح نیست چه آنکه صلح عقد لازم است بخلاف هبه که اگر تهیب موهوب را قبض نکرده باشد و اهب حق رجوع و برگشت از هبه دارد زیرا عقد هبه از عقود جائزه است.

۷ - در عاریه نیز عقد صلح لازم است مثلاً اگر کسی منکر خانه‌ئی که زید مدعی مالکیت آنست بشود و ضمناً یکسال حق سکنی همان خانه را صلح کند بمدعی خانه ( زید ) یا بالعکس اگر زید مدعی خانه عمرو شود و عمرو اقرار بمالکیت زید نماید و زید سکنی یکسال خانه مورد اقرار را بمدعی علیه ( عمرو ) صلح کند قبل از انقضای مدت قابل عدول نیست - با آنکه در معنی این عقد عاریه تلقی و همه وقت قابل عدول است. در این مورد طرفداران عدول که صلح را عقد تبعی و قائم مقام عاریه بدانند در علمای شیعه نادر است.

۸ - در بیم صرف که شرط صحت بیم اخذ نقد است اگر به صلح معامله شود اخذ نقد شرط صحت آن نبوده و معامله نافذ است.